

# دست یابی به صلح، از رویا تا واقعیت!

سرمقاله

## امنیت؛ راهکارها و چالش ها

حفیظ الله ذکی

مباحث مربوط به امنیت در هر کشوری از حساسیت و اهمیت فوق العاده برخوردار می باشد؛ اما در افغانستان، اخضا در شرایط کنونی، به دلیل وجود عوامل و شرایط استثنائی، ضرورت و اولویت ویژه می یابد.

روند استقرار نیروهای ناتو در مناطق جنوب، تجهیز نیروهای دفاعی و امنیتی با سلاحهای مدرنتر و مؤثرتر و افزایش کمی آنها و به موازات آن فعالیت شدن سیاست خارجی و اظهارات مقامات بلند پایه ناتو در رابطه به افغانستان، همه حاکی از نوعی بی ثباتی در منطقه و اوضاع نگران کننده امنیتی در افغانستان حکایت دارند.

امنیت داخلی یکی از مهمترین و ضروری ترین پدیده هایی است که برای حفظ، بقا و پیشرفت و استحکام نظام مورد توجه سیاستمداران و دولتمردان قرار می گیرد. زیرا بدون امنیت و احساس آرامش نسبی شهروندان هیچ برنامه ای در کشور قابل اجرا نیست، فعالیت های اقتصادی، رونق بازارهای تجاری و فرایند واردات و صادرات کالاها، سرمایه گذاری، طرح ریزی، ایجاد نظم و اداره و ثبات و مانند آنها در گرو تأمین امنیت سراسری میسر می گردد. امنیت مجموعه شرایطی است که به تحقق نیازهای سیاسی-اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد و متأثر از موقعیت ژئوپلیتیکی، ویژگی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی هر کشور، وضعیت های متفاوتی را شامل می شود.

امنیت دارای دو بعد داخلی و خارجی است و در بعد داخلی مسائلی از قبیل نظم، آرامش، ایمنی، تأمین منافع عمومی و توانایی دولت در جهت برآوردن سازو کار تقوایات روز افزون جامعه را شامل می شود. آرزوها و خواسته های که توسعه مترقیانه و متدنیانه فرهنگ و پیشرفت اقتصاد و دموکراتیزه شدن سیاست را هدف قرار می دهد.

جلوه خارجی امنیت بیشتر ناظر به موقعیت بین المللی و جایگاهی است که یک کشور در عرصه جهانی به دست می آورد. امنیت زمانی میسر می گردد که یک ملت علاوه بر دارا بودن توانایی های دفاعی، به این باور رسیده باشد که ادامه زندگی افراد آن، از لحاظ مادی و معنوی با خطر جدی مواجه نمی باشد. بنابراین این گفته می توانیم که در سالهای پس از جنگ که دوره بازسازی نام گرفته، هیچگاه مردم ما به طور کامل احساس امنیت نکرده اند و تهدیدات نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از نگرانی های بوده که ذهن توده ها و زمامداران را همواره به خود مشغول داشته است. این احساس البته از آغاز امسال و در پی افزایش حملات انتحاری و ترور بستی شدت بیشتری یافته است و مردم بیشتر از هر زمان دیگر خطر گروه های طالبان و القاعده و سایر حلقه های خشونت طلب را احساس می کنند.

نگرانی های فزاینده ملی و جنایات خشونت آمیز در پایتخت و سایر ولایات، نوعی دل سردی و بی میلی به سرمایه گذاری و سایر فرایندهای ملی را شدت بخشید و ثبات و آرامش نسبی به وجود آمده را برهم زد و امنیت ملی را به تهدید مواجه کرده و ساختار داخلی را با وضع منززل و غیر متعارف دچار نموده است.

بدون تردید عوامل نامانی و بحران در کشور به زمینه های داخلی و خارجی بازمی گردد و در بررسی آن بایستی به هر دو زمینه توجه نمود.

در عرصه خارجی افغانستان ناچار است که از طریق تعیین هدفها و اولویت های سیاست خارجی و نیز توانمند سازی قدرت ملی و با تقویت عناصر مادی و غیر مادی آن، توانایی دفاعی خود را در برابر کشورهای خارجی بالا ببرد. توان ملی ما گرچه از لحاظ پیشرفتهای فنی، تکنولوژیکی، اقتصادی و نظامی بسیار محدود است؛ ولی تقویت سنجای ملی گرایانه از طریق اتخاذ سیاست های اعتماد ساز میان دولت و ملت امکان پذیر می باشد.

اما در عرصه داخلی تأمین امنیت، به توزیع عادلانه امکانات بازسازی، کاهش فساد اداری و مبارزه جدی با کشت و قاچاق مواد مخدر و مبارزه شدید و انعطاف ناپذیر با عوامل گروه های معارض و خشونت طلب و توجه به خواسته ها و تقاضاهای جامعه و اجتناب از گرایشات شونیستی و نیز رفع عوامل تهدید کننده امنیت، بستگی پیدا می کند و تا این پارامترها به نحو مطلوب و مورد پسند جامعه تحقق نیابد، آرزوی تأمین امنیت مانند همیشه، در سینه ها باقی خواهد ماند...

آخرین نشست صلح، یعنی سومین دور نشست چهار جانبه در اسلام آباد میان نمایندگان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین برگزار گردید. این نشست نشان داد که برای دست یابی به صلح هنوز راه بسیار طولانی پیش روی قرار دارد. آنچه این راه را طولانی ساخته است صداقت کامل و دقیق برخی از شرکت کنندگان این نشست و نیز حاضر شدن گروه های مخالف بخصوص طالبان برای پیوستن به روند صلح می باشد. هر چند در ارتباط با نشست های اخیر درباره صلح از اولین نشست تا آخرین نشست یعنی دور سوم آن خوش بینی هایی در برخی محافل و تصورات سیاست گران شکل گرفته است اما باید گفت متأسفانه نکته های نهفته در این نشست ها و بویژه در نشست سوم اسلام آباد نشان داد که با وجود همه خوش بینی هایی که در این نشست به وجود آمده است؛ ولی هنوز نمی توان مطمئن بود که این نشست ها به نتایج مطلوب و مشخص آنگونه که مردم افغانستان انتظار دارند، بینجامد. نکته مهم در این مورد آنست که هنوز میان شرکت کنندگان توافق و دیدگاه مشترک بعنوان یک راهکار و یا برنامه صلح شکل نگرفته است. صلح هنوز در خوش بینانه ترین حالت بعنوان یک رویا یا آرزوی انسانی و خواستنی مطرح می باشد و در بدترین حالت داعیه صلح بعنوان یک ابزار یا روش برای تحمیل اراده خود بر دیگری و یا مخفی ساختن منویات خود در عقبه آن مطرح است. این تفاوت ها یا نبود توافق در مورد نقشه راه صلح کاملاً هویدا و برملا می باشد که فارغ از توضیح دانسته می شود. در محله نخست تفاوت دیدگاه و منظر میان آنچه حکومت افغانستان بعنوان یک هدف از روند صلح در نظر دارد با آنچه مقامات پاکستانی در پی آن هستند متفاوت است. در مرحله بعدی تفاوت دیدگاه میان اعضای با قدرت هیجگاهی و معنوی یا پشت پرده است که در ذهن توده ها و زمامداران را همواره به خود مشغول داشته است. این احساس البته از آغاز امسال و در پی افزایش حملات انتحاری و ترور بستی شدت بیشتری یافته است و مردم بیشتر از هر زمان دیگر خطر گروه های طالبان و القاعده و سایر حلقه های خشونت طلب را احساس می کنند.

نگرانی های فزاینده ملی و جنایات خشونت آمیز در پایتخت و سایر ولایات، نوعی دل سردی و بی میلی به سرمایه گذاری و سایر فرایندهای ملی را شدت بخشید و ثبات و آرامش نسبی به وجود آمده را برهم زد و امنیت ملی را به تهدید مواجه کرده و ساختار داخلی را با وضع منززل و غیر متعارف دچار نموده است.

بدون تردید عوامل نامانی و بحران در کشور به زمینه های داخلی و خارجی بازمی گردد و در بررسی آن بایستی به هر دو زمینه توجه نمود.

در عرصه خارجی افغانستان ناچار است که از طریق تعیین هدفها و اولویت های سیاست خارجی و نیز توانمند سازی قدرت ملی و با تقویت عناصر مادی و غیر مادی آن، توانایی دفاعی خود را در برابر کشورهای خارجی بالا ببرد. توان ملی ما گرچه از لحاظ پیشرفتهای فنی، تکنولوژیکی، اقتصادی و نظامی بسیار محدود است؛ ولی تقویت سنجای ملی گرایانه از طریق اتخاذ سیاست های اعتماد ساز میان دولت و ملت امکان پذیر می باشد.

اما در عرصه داخلی تأمین امنیت، به توزیع عادلانه امکانات بازسازی، کاهش فساد اداری و مبارزه جدی با کشت و قاچاق مواد مخدر و مبارزه شدید و انعطاف ناپذیر با عوامل گروه های معارض و خشونت طلب و توجه به خواسته ها و تقاضاهای جامعه و اجتناب از گرایشات شونیستی و نیز رفع عوامل تهدید کننده امنیت، بستگی پیدا می کند و تا این پارامترها به نحو مطلوب و مورد پسند جامعه تحقق نیابد، آرزوی تأمین امنیت مانند همیشه، در سینه ها باقی خواهد ماند...

نگرانی های فزاینده ملی و جنایات خشونت آمیز در پایتخت و سایر ولایات، نوعی دل سردی و بی میلی به سرمایه گذاری و سایر فرایندهای ملی را شدت بخشید و ثبات و آرامش نسبی به وجود آمده را برهم زد و امنیت ملی را به تهدید مواجه کرده و ساختار داخلی را با وضع منززل و غیر متعارف دچار نموده است.

بدون تردید عوامل نامانی و بحران در کشور به زمینه های داخلی و خارجی بازمی گردد و در بررسی آن بایستی به هر دو زمینه توجه نمود.

در عرصه خارجی افغانستان ناچار است که از طریق تعیین هدفها و اولویت های سیاست خارجی و نیز توانمند سازی قدرت ملی و با تقویت عناصر مادی و غیر مادی آن، توانایی دفاعی خود را در برابر کشورهای خارجی بالا ببرد. توان ملی ما گرچه از لحاظ پیشرفتهای فنی، تکنولوژیکی، اقتصادی و نظامی بسیار محدود است؛ ولی تقویت سنجای ملی گرایانه از طریق اتخاذ سیاست های اعتماد ساز میان دولت و ملت امکان پذیر می باشد.

اما در عرصه داخلی تأمین امنیت، به توزیع عادلانه امکانات بازسازی، کاهش فساد اداری و مبارزه جدی با کشت و قاچاق مواد مخدر و مبارزه شدید و انعطاف ناپذیر با عوامل گروه های معارض و خشونت طلب و توجه به خواسته ها و تقاضاهای جامعه و اجتناب از گرایشات شونیستی و نیز رفع عوامل تهدید کننده امنیت، بستگی پیدا می کند و تا این پارامترها به نحو مطلوب و مورد پسند جامعه تحقق نیابد، آرزوی تأمین امنیت مانند همیشه، در سینه ها باقی خواهد ماند...

شکور



آرایی های سیاسی و نظامی کشور می توان اندکی روشنتر بیان داشت. وقتی طالبان و تروریست ها و حامیان بیرون مرزی شان احساس نمایند که شدت خشونت و سفاقت افکار عمومی داخلی و خارج را جریحه دار نموده و یا بنا به دلایلی دم شمشیر و صغیر گلوله کارگر واقع نمی گردد فوراً ادعاهای بنام روند گفتگو و صلح مطرح می گردد؛ موقعی که شرایط اضطراب رفع گردید باز میز گفتگو و صلح آسانتر از گذشته جمع آوری می گردد. در داخل کشور نیز کسانی که هزاران تمنای شخصی و قومی و گروهی و قدرت طلبانه دارند یا برای دست یافتن به انبیاشته ای از پول پروژه ای را طراحی نموده اند فوراً ادعای «اصلاح خیر» را سر داده و به گردمهای ها و تجمع ها و خطابه ها پراخته می شود. سسرانجام صلح بازیچه ای همانند ده ها وسیله بازی دیگر در دست بازیگران قدرت و سرمایه. در این میان آنچه قربانی صلح می گردد خود، صلح است و مردمی که نشانه صلح اند.

تخیلات و داستان ها و قصه های مردم ما جای یافته است. بطور مشخص اگر بتوان گفت تاریخ، سیاست، فرهنگ، جامعه، اقتصاد، زندگی و... در جامعه ما بیش از هر چیزی با خشونت و جنگ توأمان بوده است و از آرامش و مسالمت و صلح خالی! اگر در ادبیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ما کلمه ای و جمله ای بنام صلح یا در ارتباط با صلح مطرح بوده است در واقع فقط در حد یک آرزو و خیال بوده است و یا سایه ای بسیار کم رنگ ونسیمی بسیار نازک و لحظه ای بسیار کم شمار.

و همسوی باشند؟ بنابراین باید گفت کسه صلح، واژه ای که زندگی انسان را در طول تاریخ به زیباترین شکل و شیرین ترین مزاق آن تعبیر و تفسیر می نماید، صلح، نه تنها در جهان امروز، و نه تنها پس از جنگ دوم جهانی، بلکه از کهن ترین دوران های تاریخ برای جامعه بشری به مثابه یک آرزوی زندگی بخش و آرمانی انسانی مطرح بوده است. خشونت و جنگ، نابسامانی و آشوب های حد یک آرزو و خیال بوده است و یا سایه ای بسیار کم رنگ ونسیمی بسیار نازک و لحظه ای بسیار کم شمار.

در همین حال معلوم نیست که طالبان و گروه های شورشی مسلح و حکومت پاکستان در مورد شاخصه های پذیرش روند صلح و مشارکت در روند آن تا چه اندازه توافق نظر و پذیرش وجود داشته باشد. به ویژه این که حکومت افغانستان تأکید ورزیده است که برای روند صلح هرگز حاضر نیست که از اصول و ارزش های دموکراتیک خویش دست بردارد یا در مورد آن بحث و تجدید نظری صورت گیرد. حال آیا پاکستانی ها قادر خواهند بود که روند صلح را بدون پیش شرط مشخص بر رهبری های پراکنده مخالفین و بخصوص طالبان بقبولاند؟ این ها همه مواردی است که روند صلح را با کندی و حتا نگرانی از توقف آن دچار می سازد و یا در خوش بینانه ترین حالت این موارد، جسای این نگرانی وجود دارد که آیا شاخه های پراکنده طالبان قادر خواهند شد که درباره صلح و چگونگی آن مسئله جدی تر این که متأسفانه در دیدگاه های دولت افغانستان نیز هنوز توجید

# پنج سال پس از بن علی

ثیری برسولن / مترجم: صادق رحیمی/ قسمت دوم و پایانی



در گسترش سلفی گری جهادی طی سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، زمانی که قدرت را در دست داشت. تندروترین جناح چپ در پی آن است که مستولین آن دوره به پیشگاه عدالت کشیده شوند؛ و سرشناس ترین چهره آنان خانم بسمه خلفاوی است، بیوه رهبر سنیست چپ، شکری بلعید، که در ۶ فبروری ۲۰۱۳ ترور شد.

هدف حذف النهضه را نیز کنار بگذار، خود را فاقد یک هدف سیاسی مشخص میابد. در این وضعیت تازه، به نظر نمیرسد هیچکدام از ساختارهای موجود قادر به مدیریت تضادهای درونی حزب باشند. دبیر کل ندای تونس، محسن مزروق، که زمانی جانشین ریاست محسوب میشد، محبوبیت خود را به حافظ قائد السبسی، فرزند رئیس دولت، باخته است، که از پشتیبانی نزدیک ترین مشاوران رئیس جمهور، هماهنگ کنندگان منطقه ای، شخصیت های شناخته شده تجمع دموکراتیک قانون اساسی، و سنگین وزنه های دولتی برخوردار است. او باش، و کنترل مالیاتی: در این مبارزه که هنوز ادامه دارد، هر ضربه ای مجاز است. بازی همچنین شامل رقابت های بی پرده بین ثروتهای عظیم و قبیله های اقتصادی در تونس، سوسه و صفاقس است. به گفته نماینده مخالف دولت، خانم بشری بلحاج حمیده، طرفداران مزروق با پشتیبانی حدود سسی نماینده مجلس تلاش دارند پرسروژه ای نزدیکتر به هدفهای اولیه را تعقیب کنند: «آنها دنبال ایجاد یک حزب محافظه کار هستند، ما یک حزب پیشرو می خواهیم. آنها میخواهند دوباره همان نظام حزبی را به راه بیانازند که قبلا بود، با حمایت النهضه، و بر اساسی را آشتی تاریخی، تا حکومت و اقتصاد را مال خودشان کنند.»

در طرف النهضه، آرامش بسیار بیشتری به چشم میخورد. بحث های درون حزبی توسط یک دستگاه حزبی مستحکم مدیریت میشود که قادر است مشورت های گسترده ای را سازماندهی کند. وفاداری اعضا به حزب مانع از این میشود

هدف حذف النهضه را نیز کنار بگذار، خود را فاقد یک هدف سیاسی مشخص میابد. در این وضعیت تازه، به نظر نمیرسد هیچکدام از ساختارهای موجود قادر به مدیریت تضادهای درونی حزب باشند. دبیر کل ندای تونس، محسن مزروق، که زمانی جانشین ریاست محسوب میشد، محبوبیت خود را به حافظ قائد السبسی، فرزند رئیس دولت، باخته است، که از پشتیبانی نزدیک ترین مشاوران رئیس جمهور، هماهنگ کنندگان منطقه ای، شخصیت های شناخته شده تجمع دموکراتیک قانون اساسی، و سنگین وزنه های دولتی برخوردار است. او باش، و کنترل مالیاتی: در این مبارزه که هنوز ادامه دارد، هر ضربه ای مجاز است. بازی همچنین شامل رقابت های بی پرده بین ثروتهای عظیم و قبیله های اقتصادی در تونس، سوسه و صفاقس است. به گفته نماینده مخالف دولت، خانم بشری بلحاج حمیده، طرفداران مزروق با پشتیبانی حدود سسی نماینده مجلس تلاش دارند پرسروژه ای نزدیکتر به هدفهای اولیه را تعقیب کنند: «آنها دنبال ایجاد یک حزب محافظه کار هستند، ما یک حزب پیشرو می خواهیم. آنها میخواهند دوباره همان نظام حزبی را به راه بیانازند که قبلا بود، با حمایت النهضه، و بر اساسی را آشتی تاریخی، تا حکومت و اقتصاد را مال خودشان کنند.»

هدف حذف النهضه را نیز کنار بگذار، خود را فاقد یک هدف سیاسی مشخص میابد. در این وضعیت تازه، به نظر نمیرسد هیچکدام از ساختارهای موجود قادر به مدیریت تضادهای درونی حزب باشند. دبیر کل ندای تونس، محسن مزروق، که زمانی جانشین ریاست محسوب میشد، محبوبیت خود را به حافظ قائد السبسی، فرزند رئیس دولت، باخته است، که از پشتیبانی نزدیک ترین مشاوران رئیس جمهور، هماهنگ کنندگان منطقه ای، شخصیت های شناخته شده تجمع دموکراتیک قانون اساسی، و سنگین وزنه های دولتی برخوردار است. او باش، و کنترل مالیاتی: در این مبارزه که هنوز ادامه دارد، هر ضربه ای مجاز است. بازی همچنین شامل رقابت های بی پرده بین ثروتهای عظیم و قبیله های اقتصادی در تونس، سوسه و صفاقس است. به گفته نماینده مخالف دولت، خانم بشری بلحاج حمیده، طرفداران مزروق با پشتیبانی حدود سسی نماینده مجلس تلاش دارند پرسروژه ای نزدیکتر به هدفهای اولیه را تعقیب کنند: «آنها دنبال ایجاد یک حزب محافظه کار هستند، ما یک حزب پیشرو می خواهیم. آنها میخواهند دوباره همان نظام حزبی را به راه بیانازند که قبلا بود، با حمایت النهضه، و بر اساسی را آشتی تاریخی، تا حکومت و اقتصاد را مال خودشان کنند.»

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.